



Islamic Azad University, Lahijan Branch

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

HomePage: <http://jcl.d.liau.ac.ir>

Vol.1, No.4, Issue 4, Winter 2022, P:31-44

Receive Date: 2022/11/4

Revise Date: 2022/12/28

Accept Date: 2023/1/17

Article type: Original Research

Online ISSN: 2821-2339

DOI: 10.30495/jcl.d.2023.1972102.1026

A Comparative Study of The Khamsah Religions Regarding the Position of La-Haraj Rule in the Issue of Polygamy with a look at the Criminal Law of Iran

Amin Ghasemifar¹Mohsen Razmi²Hosein Ahmari³Ahmad Fooladian⁴

Abstract

The La-Haraj rule is one of the most advanced jurisprudence rules, which while having reliable narrative and rational foundations, has a wide realm and includes everything from worships to transactions. Polygamy is one of the topics where the use of La-Haraj rule is discussed. The following article deals with this issue that a husband or a wife can refer to the La-Haraj rule and use it or not for the permission of polygamy or divorce. By examining the sources of Imami and Popular jurisprudence, it is found that the La-Haraj rule is a rule based on personal conditions and its examples are inexhaustible and a husband does not need to rely on the aforementioned rule for polygamy. From Imami jurists' point of view, La-Haraj rule can help wife in obtaining a divorce decree; even though polygamy is permitted by law. Popular jurists are against this attitude. Application of the La-Haraj rule for the wife is clearly reflected in Article 1130 of the Civil Code and its note, and it once again confirms the effectiveness of Iran's laws from the perspective of Imami jurisprudence.

Keywords: La-Haraj and polygamy, polygamy, polygamy in Khamsah Religions.

¹. PhD student of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. ghasemifar.amin@gmail.com.

². Assistant Professor of Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author) razmi@ninfan.com.

³. Associate Professor of Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. ahmari.hosein@yahoo.com

⁴. Assistant Professor of Department of Family Studies, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. a.fooladian@yahoo.com



دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

سال اول - شماره ۴ - شماره پیاپی ۴ - زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۱-۴۴	Home page: http://jcl.d.liu.ac.ir	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۳	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷
شاپا الکترونیکی: ۲۳۳۹-۲۸۲۱	DOI: 10.30495/jcl.d.2023.1972102.1026	نوع مقاله: پژوهشی

مطالعه تطبیقی مذاهب خمس در خصوص جایگاه قاعده‌ی لاجرج در مسأله تعدد زوجات با نگاهی به حقوق کیفری ایران

امین قاسمی فر^۱
محسن رزمی^۲
حسین احمدی^۳
احمد فولادیان^۴

چکیده

قاعده‌ی لاجرج، از پیشرفته‌ترین قواعد فقهی است که ضمن دارا بودن مبانی نقلی و عقلی قدر متیقن، داری قلمرو گسترده‌ای است و از عبادیات تا معاملات را شامل می‌شود. تعدد زوجات، یکی از موضوعاتی که استفاده از قاعده‌ی لاجرج در آن، مطرح است. نوشتار پیش رو، به این موضوع پرداخته است که هر یک از زوج یا زوجه برای جواز تعدد زوجات یا طلاق می‌توانند به قاعده‌ی لاجرج استناد جویند و از آن، استفاده کنند یا خیر؟ با بررسی منابع فقه امامیه و عامه، به دست می‌آید که قاعده‌ی لاجرج، قاعده‌ای مبتنی بر حالات شخصی است و مصادیق آن، غیر قابل حصر است و زوج، برای تعدد زوجات، به استناد به قاعده‌ی مذکور، نیازی ندارد. از منظر فقهای امامیه، قاعده‌ی لاجرج می‌تواند زوجه را در اخذ حکم طلاق یاری کند؛ هرچند که جواز شرعی یا قانونی بر تعدد زوجات باشد. فقهای عامه، با این دیدگاه مخالف هستند. کاربرد قاعده‌ی لاجرج برای زوجه به صراحت در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و تبصره آن، منعکس است و تأثیرپذیری قوانین ایران از دیدگاه فقه امامیه را بار دیگر احراز می‌کند.

واژگان کلیدی: لاجرج و تعدد زوجات، تعدد زوجات، تعدد زوجات در مذاهب خمس.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. ghasemifar.amin@gmail.com
۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول). razmi@ninfan.com
۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. ahmari.hosein@yahoo.com
۴. استادیار گروه مطالعات خانواده، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. a.fooladian@yahoo.com

مقدمه

ازدواج به صورت دائم یا موقت با بیش از یک زن، تعدد زوجات محسوب می‌شود که این مسأله از یک منظر جایز و از یک منظر حرام است. به عقیده تمامی مذاهب اسلامی (امامیه و عامه) مطابق آیه ۳ سوره نساء^۱ و روایات مختلف^۲ ازدواج با بیش از یک زن در قالب عقد نکاح دائم حداکثر تا ۴ زن بنا به شرایطی جایز است و تعدد زوجات بیش از ۵ زن در قالب عقد نکاح دائم حرام و باطل است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۴۱/۷-۴۵؛ یزدی طباطبایی، ۱۴۰۹، ۷۲۶/۱؛ خویی، ۱۴۲۲، ۶۷/۲؛ خمینی، ۱۳۸۳، ۴۴۹/۱؛ حلی، ۱۴۰۸، ۶۱۹/۲؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ۲۱۱/۲؛ اندلسی، ۱۴۰۴، ۴۹۹/۱؛ فخر زاری، ۱۴۲۰، ۵۴/۵).

در خصوص ازدواج موقت نیز، براساس بخشی از آیه ۲۴ سوره نساء، نکاح موقت قابل اثبات است. اگرچه تعداد روایات، سنت پیامبر اکرم (ص) و صحابه و تابعین، دلایل عقلی و نقلی، سهم بیشتری از قرآن کریم در اثبات این موضوع دارند، ولی مبنای حلیت و اباحه نکاح موقت، همین آیه قرآن است. با این حال، اقدام خلیفه دوم^۳ پس از پیامبر اکرم (ص) و دفاع از این نگرش، موجب شد تا فقه اهل سنت تحریم و نهی آن را برخلاف آیه قرآن بر اباحه آن ترجیح دهند (ابن قدامه، ۱۴۱۸، ۳۰۶/۲؛ سرخسی، ۱۴۲۰، ۱۵۲/۲؛ فخر زاری، ۱۴۲۰، ۵۱/۵).

ادعای نسخ این آیه و یا تحریم فعلی یا قولی این موضوع توسط پیامبر اکرم (ص) از دیگر دلایل اندیشمندان فقه اهل سنت است که در مقابل این دلایل، پاسخ قدرمتیقن از سوی اندیشمندان فقه امامیه، ارائه شده است (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۵، ۵۷-۱۳۷؛ محقق دایکندی، ۱۳۸۶، ۱۵۷-۲۰۲؛ هاشمی، ۱۳۸۶، ۱۰۰-۱۲۸)؛ لذا تعدد زوجات در نکاح موقت در فقه عامه اساساً به دلیل حرمت ازدواج موقت، مطرح نیست و در فقه امامیه، با توجه به جواز ازدواج موقت، تعدد زوجات بیش از

۱. «وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَ ثَلَاثَ وَ رِبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَلَّا تَعُولُوا» «و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد دو دو سه سه چهار چهار به زنی بگیرید پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید به یک [زن آزاد] یا به آنچه [از کنیزان] مالک شده اید [اکتفا کنید] این [خودداری] نزدیکتر است تا به ستم گرایید [و بیهوده عیال‌وار گردید] (ترجمه فولادوند)»

۲. مثل روایاتی که می‌گوید منی مرد در رحم بیش از چهار زن جمع نمی‌شود: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا جَمَعَ الرَّجُلُ أَرْبَعًا وَ طَلَّقَ إِحْدَاهُنَّ - فَلَا يَتَزَوَّجُ الْخَامِسَةَ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّةَ الْمَرْأَةِ الَّتِي طَلَّقَ - وَ قَالَ لَا يَجْمَعُ مَاءَهُ فِي خَمْسٍ. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۵۱۸/۲۰). امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردی با چهار زن ازدواج کرد و یکی از آنها را طلاق داد، نباید با زن پنجم ازدواج کند تا این که عده‌ی زنی که طلاق داده است تمام شود و فرمود نباید منی خود را در رحم پنج زن بریزد.

۳. عمر بن خطاب (أبو حفص عمر بن الخطاب العدوی القرشی ملقب به عمر فاروق): «و منعه در زمان رسول خدا (ص) حلال بود. من از آن دو نهی می‌کنم و بر (انجام دادن) آن دو عقاب می‌نمایم؛ که یکی منعه و صیغه کردن زنان است و دیگری منعه حج».

۴ زن نیز با محدودیت و حرمتی روبه‌رو نیست؛ لذا از نظر امامیه، تعدد زوجات در نکاح دائم و موقت واقع می‌شود ولی از نظر عامه، صرفاً این موضوع در نکاح دائم قابل طرح است. قلمرو تحقیق به دلیل انتخاب حد وسط و بررسی تطبیقی مذاهب اسلامی، به تعدد زوجات در نکاح دائم محدود است و موضوع تعدد زوجات در نکاح موقت، صرفاً در فقه امامیه قابل بررسی است و جنبه مطالعه تطبیقی ندارد که مختصراً در پایان اشاره می‌شود. مسائل تحقیق بدین شرح است که:

۱. آیا زوج می‌تواند از باب قاعده لاجرح، اقدام به انجام تعدد زوجات در قالب نکاح دائم نماید یا خیر؟ در خلال این بحث، اقدام به تعدد زوجات بیش از ۴ زوجه و نیز نکاح موقت بررسی می‌شود.

۲. آیا زوجه می‌تواند از باب قاعده لاجرح، نسبت به تعدد زوجات زوج، اقدام به طلاق نماید یا خیر؟

با بررسی دو مسأله فوق از منظر زوج و زوجه، جایگاه قاعده لاجرح در مسأله تعدد زوجات و به نوعی در حقوق خانواده مشخص می‌شود. پیش از این اثر، محققان در آثار مختلفی، میان دو کلیدواژه «لاخرج» و «تعدد زوجات»، بررسی صورت داده‌اند که با اهداف این تحقیق هم‌پوشانی ندارد و تحقیق پیش روی از هر حیث نوین است؛ زیرا اولاً برخی از آثار صرفاً به مسأله دوم تحقیق توجه دارند (اخوان کاظمی، ۱۴۰۰؛ ارجمند دانش، ۱۳۸۴؛ شاه حسینی، ۱۳۹۸؛ شفیعی، ۱۳۹۸؛ عبدالمی فشكل پشته، ۱۳۹۹)؛ ثانیاً، برخی از آثار در خصوص حکم حرمت یا حلت تعدد زوجات برای زوج، به قاعده لاجرح اشاره نکرده‌اند و موضوع را از زوایای دیگر تحلیل نموده‌اند (امامی، ۱۳۹۲؛ حاجیعلی، ۱۳۸۸؛ دهقانی و دیگران، ۱۴۰۰؛ سلحشور و دیگران، ۱۳۹۶؛ شکوهی و دیگران، ۱۳۹۹).

برای دست یافتن به اهداف و پاسخ مسائل فوق، لازم است در ابتداء، قاعده فقهی لاجرح در مذاهب خمس تبیین می‌شود و سپس دیدگاه مذاهب خمس در خصوص تعدد زوجات و در نهایت ارتباط قاعده لاجرح با مسأله تعدد زوجات مورد توجه است. در این خصوص، نگاهی به حقوق کیفی ایران در قبال تدابیر کیفی اتخاذ شده نیز صورت می‌گیرد. شیوه تحقیق، توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است و صرفاً منابع معتبر امامیه و عامه، بررسی شده است.

۱. تبیین قاعده فقهی لاجرح در مذاهب خمس

«قاعده لاجرح»، نفی‌کننده «عسر» به معنای سختی و «حرج» به معنای ضیق و تنگنا است (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۱۲۴/۲-۱۲۶) و در فقه امامیه و عامه، مفهوم یکسانی دارد (حلی، ۱۴۰۸، ۲۳۹). فقهای امامیه در تبیین مفهوم این قاعده به این موضوع اشاره کرده‌اند که هرگونه سختی و دشواری بر انسان

غیرقابل پذیرش است (نراقی، ۱۳۷۵، ۲۷۷). همچنین حرج در معنای گناه نیز استفاده شده است (یزدی طباطبایی، ۱۴۰۹، ۷۷۰/۲). رابطه عسر و حرج نیز از منظر برخی از فقهای امامیه عموم خصوص مطلق دانسته شده (کرکی، ۱۴۱۴، ۳۷۰/۱۲) و برخی معتقدند که رابطه تساوی میان این دو عبارت وجود دارد (محقق داماد، ۱۳۸۷، ۱۰۳). اندیشمندان فقه عامه نیز عسر را مرحله‌ای قبل از حرج می‌دانند و حرج را مرحله‌ای قبل از تکلیف مالایطاق توصیف می‌کنند (سلار، ۱۴۰۴، ۱۴۶)؛ همچنین این موضوع مطرح شده است که مبنای اصلی این قاعده هم دلایل نقلی و هم دلایل عقلی است و نسبت عسر و حرج برای همه افراد یکسان نیست و هر موضوع باید در مصداق خودش بررسی شود (سلار، ۱۴۰۴، ۱۴۹-۱۵۱).

مبنای فقهی این قاعده نیز از منظر اندیشمندان مذاهب خمس، یکسان است و اشاره به آیات ۷۸ سوره حج،^۱ ۶ سوره مائده^۲ و ۱۸۵ و ۲۸۶ سوره بقره^۳ در مذاهب خمس صورت گرفته و متعاقب آن، احکام جهاد، تیمم بدل از غسل، روزه در ایام مریضی و سفر و کلیه احکام مشقت‌بار، در قالب احکام ثانویه تغییر داده شده است (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۱۲۵/۲؛ سرخسی، ۱۴۲۰، ۱۴۰/۲). همچنین روایاتی که دلالت بر نفی حرج و سختی به‌عنوان یک قاعده کلی محسوب می‌شود، مورد اشاره فقهای مذاهب خمس بوده است (ابن قدامه، ۱۴۱۸، ۱۰۷/۴).

لازم به ذکر است که میان این قاعده و قاعده «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» ارتباط وجود دارد زیرا یکی از معانی ضرار، ضیق و حرج مطرح شده است که اندیشمندان فقه اهل سنت بر این مطلب تأکید دارند (ابن قدامه، ۱۴۱۸، ۱۰۹) و فقهای معاصر امامیه نیز در تبیین این دو قاعده، به ارتباط فی مابین آن‌ها پرداخته‌اند (خمینی، ۱۳۸۳، ۴۳۷/۱). از نظر عقلی نیز بنای عقلا، تکلیفی که عقلاً موجب مشقت و سختی باشد را نمی‌پذیرد و حرج را مخالف و متعارض با ویژگی اصلی تکلیف یعنی «قابل تحمل بودن» می‌دانند (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۹۴/۳).

میان فقهای امامیه و اهل سنت در این موضوع اتفاق نظر دارند که اجماع به عنوان مبنای این قاعده صورت نگرفته است (محقق داماد، ۱۳۸۷، ۱۰۶؛ سلطانی، ۱۴۰۱، ۸۳) اگرچه دلایل قدر متیقن در این خصوص وجود دارد.

^۱ «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أُنِيَكُمْ إِبرَاهِيمَ...»
^۲ «وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ...»
^۳ «... مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ...» «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا...»

متأثر از قاعده لا حرج، این حقیقت برداشت می‌شود که اولاً، تمام مذاهب خمس بر این مطلب تأکید دارند که اساساً حکم مبتنی بر حرج، در دین اسلام وجود ندارد و تشریح احکام مشقت‌بار اصلاً صورت نگرفته است (عبدالهی فشكل پشته، ۱۳۹۹، ۱۶۶)؛ ثانیاً، برخی از اندیشمندان امامیه بر این موضوع تأکید دارند که موضوع حرجی نیز نفی می‌شود و یا این‌که نهی صورت گرفته در احکام، از باب حکومت است نه شرع که مخالفین نظر اخیر، برداشت دوم را صحیح نمی‌دانند (محقق داماد، ۱۳۸۷، ۱۰۹).

حرج باید از منظر شخصی بررسی شود و نمی‌توان نوعاً عملی را حرج گونه توصیف کرد. همچنین قلمرو این حرج، به حرج واقعی دلالت دارد و علم و جهل مکلف در آن تأثیری ندارد (نجفی، ۱۴۱۴، ۱۹/۲۱۴)؛ ولی برخی از اندیشمندان، قلمرو قاعده را به علم و جهل مکلف توسعه داده و در نهایت، انجام تکلیف حرجی را پس از اطلاع از نفی حرج، نیازمند اعاده نمی‌دانند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ۷۷۱).

یکی از موضوعات مرتبط با قاعده لا حرج و حقوق خانواده، سرایت قاعده مذکور به امور عدمی است. منظور از امور عدمی، این است که اگر حکمی در خصوص موضوعی مطرح نشده باشد، به استناد قاعده لا حرج، نفی تکلیف صورت می‌گیرد. این دیدگاه در فقه امامیه طرفدار دارد به‌طور مثال، حکم طلاق در خصوص مفقود شدن زوج در کمتر از چهار سال و عدم پرداخت نفقه، مطرح نشده است؛ ولی به دلیل ایجاد عسر و حرج در این خصوص، عدم صدور طلاق را مصداقی از عسر و حرج دانسته می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۷، ۱۰۵).

همچنین برخی از اندیشمندان امامیه و عامه بر این موضوع تأکید داشته‌اند که اگر در موضوعی میان قاعده لا حرج و لاضرر تعارضی به وجود آید، کدام قاعده ارجح دانسته می‌شود؟ پاسخ نهایی این است که هیچ‌کدام بر دیگری ارجح نیست و اگر تعارضی ایجاد شود، به استناد قاعده «الدلیلان اذا تعارضا تساقطا» هر دو قاعده غیرقابل استناد است و باید به حکم اولیه رجوع شود (محقق داماد، ۱۳۸۷، ۱۱۱).

توجه به این مطلب نیز ضروری است که برخلاف قاعده لاضرر، قاعده لا حرج در حقوق ایران، صراحتاً تصریح شده است و ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی (اصلاحیه ۱۳۷۰)^۱ به مسأله دوم این

۱. در مورد زیر زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق نماید در صورتی که برای محکمه ثابت شود که دوام زوجیت موجب عسر و حرج است می‌تواند برای جلوگیری از ضرر و حرج زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورت میسر نشدن به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود. (اصلاحی ۱۳۶۱/۱۰/۸) تبصره - عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد: ۱- ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالی و یا نه ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه. ۲- اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلاء وی به

تحقیق یعنی این‌که زوجه می‌تواند از باب قاعده لایحرج، نسبت به تعدد زوجات زوج، اقدام به طلاق نماید، پرداخته است. اثبات این موضوع، نیاز به بحث و بررسی دارد که در مبحث سوم تبیین خواهد شد. باید توجه داشت که عسر و حرج، همان تغییر شرایط ناعادلانه، غیرقابل تحمل و غیرقابل پیش‌بینی در قرارداد نیز می‌باشد و از این قاعده، در موضوع فورس ماژور نیز استفاده کرد و تعهدات قراردادی ناشی از تغییر شرایط، قابل نفی است (شاه حسینی، ۱۳۹۸، ۴۲-۴۷).

۲. دیدگاه مذاهب خنسه در خصوص تعدد زوجات

مشهور فقیهان امامیه و عامه به دلایل متعدد فقهی - قرآن، سنت، اجماع و سیره‌ی قطعی مسلمین - مشروعیت تعدد زوجات را پذیرفته‌اند. هرچند اختلافات جزئی در نوع حکم - استجاب، کراهت و اباحه - وجود دارد که در ادامه به بیان جزئیات آن خواهیم پرداخت.

در منابع اولیه فقهی امامیه تا قبل از قرن پنجم قمری جواز تعدد زوجات و حرمت ازدواج با بیش از چهار زن، صرفاً به صورت فتوا مطرح شده و مباحث استدلالی پیرامون آن شکل نگرفته است (عبدی‌پور، ۱۳۸۸، ۱۱؛ مفید، ۱۴۱۳، ۵۱۷؛ سلار، ۱۴۰۴، ۱۴۸). برای اولین بار شیخ طوسی در کتاب خلاف حکم تعدد زوجات - عدم جواز نکاح با بیش از چهار زن - را مستند به اجماع و روایت کرد و دلالت آیه سوم سوره‌ی نساء را بر این حکم ناتمام دانست (طوسی، ۱۴۰۸، ۲۹۴/۴)؛ اما بعد از او، علامه حلی علاوه بر استناد به اجماع و روایت، عموم آیه‌ی مذکور «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسَطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» را نیز دلیل حکم می‌داند (حلی، ۱۴۱۳، ۹۹/۷). پس از علامه حلی فقیهان دیگر مستند خود در حکم به جواز تعدد زوجات را، همین دلایل ذکر می‌کنند (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۳۴۷/۷؛ کرکی، ۱۴۱۴، ۳۷۴/۱۲؛ نجفی، ۱۴۱۴، ۲/۳۰). ایشان با تمسک به ظاهر آیه و همچنین روایاتی که ازدواج با بیش از چهار زن را منع کرده است (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۵۱۷/۲۰)، جواز تعدد زوجات را استنباط کرده‌اند.

برخی فقیهان از این آیه استظهار کرده‌اند که تعدد زوجات حکمی مستحب است و آیه درصدد ترغیب به این موضوع است. استدلال آن‌ها به امر «فَانكِحُوا» است. چون صیغه‌ی امر ظهور در

مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است. در صورتی که زوج به تعهد خود عمل ننماید و یا پس از ترک، مجدداً به مصرف موارد مذکور روی آورده، بنا به درخواست زوجه، طلاق انجام خواهد شد. ۳- محکومیت قطعی زوج به حبس پنج سال یا بیشتر. ۴- ضرب و شتم یا هرگونه سوء استفاده مستمر زوج که عرفاً با توجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد. ۵- ابتلاء زوج به بیماری‌های صعب‌العلاج روانی یا ساری یا هر عارضه صعب‌العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید. موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زن در دادگاه احراز شود، حکم طلاق صادر نماید.

و جوب دارد و از طرفی تعدد زوجات به اجماع و ضرورت دین واجب نیست، پس دست کم مستحب است؛ زیرا اقل مراتب امر استحباب است (نجفی، ۱۴۱۴، ۳۵/۲۹؛ یزدی، ۱۴۰۹، ۷۹۷/۲). شیخ طوسی در الخلاف و المبسوط اکتفا به یک همسر را مستحب دانسته و آن را نیز مستند به اجماع کرده است (طوسی، ۱۳۸۷، ۴/۶؛ طوسی، ۱۴۰۸، ۱۱۱/۵)، لذا برخی از فقیهان کلام شیخ را حمل بر کراهت تعدد زوجات کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۵/۲۹).

در مسأله تعدد زوجات بین فقیهان شیعه و عامه تفاوت چندانی وجود ندارد و نظر مشهور در بین مذاهب چهارگانه‌ی عامه جواز تعدد زوجات است. از نظر آن‌ها اجماع بر جواز ازدواج حداکثر تا چهار زن و حرمت مازاد بر آن وجود دارد و خلاف آن خرق اجماع است (ابن‌نجیم، ۱۴۲۲، ۱۹۷/۲؛ العمرانی، ۱۴۲۱، ۱۲۰/۹). مؤلف بدایع الصنائع دلیل حکم را آیه‌ی سوم سوره‌ی نساء و حدیث نبوی «اخْتَرْتُمُنَّهْنَ اَرْبَعَهُ وَفَارِقَ الْاَبْوَابِی» ذکر می‌کند (کاشانی، ۱۴۰۶، ۲۶۵/۲).

ابن قدامه از قاسم بن ابراهیم نقل می‌کند که وی ازدواج با نه زن را مباح می‌دانست، اولاً به این جهت که «واو» در آیه «فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنً وَثُلَاثَ وَرُبَاعً» برای جمع آمده است و ثانیاً رسول خدا (ص) با نه زن ازدواج کرده بود. وی در پاسخ می‌گوید اولاً این قول خرق اجماع است، ثانیاً «واو» در آیه به معنای تخییر است و نه جمع و ثالثاً مخالف با حدیث نبوی «اُمْسِكْ اَرْبَعًا، وَفَارِقْ سَائِرَهُنَّ» است (ابن‌قدامه، ۱۴۱۸، ۸۵/۷).

۳. ارتباط قاعده لا حرج با مسئله تعدد زوجات با نگاهی به رویکرد حقوق کیفری ایران
پس از بیان مقدمات و تبیین دو موضوع «قاعده لا حرج» و «تعدد زوجات»، اکنون به بررسی ارتباط قاعده لا حرج با مسأله تعدد زوجات پرداخته می‌شود و قلمرو بحث، در راستای پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. آیا زوج می‌تواند از باب قاعده لا حرج، اقدام به انجام تعدد زوجات در قالب نکاح دائم نماید یا خیر؟

۲. آیا زوجه می‌تواند از باب قاعده لا حرج، نسبت به تعدد زوجات زوج، اقدام به طلاق نماید یا خیر؟

در آثار اندیشمندان فقه امامیه، در راستای پاسخ به سؤال اول می‌توان این پاسخ‌ها و دلایل را یافت نمود که نظر مخالفی آن نیز به دست نیامد:

۱. برای زوج و موضوع تعدد زوجات، هیچ نیازی به استناد قاعده لا حرج نیست؛ زیرا مشروعیت یقینی تعدد زوجات بنا به شرایط موصوف، قدرمتیقن است (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۴۱/۷-۴۵؛ یزدی طباطبایی، ۱۴۰۹، ۷۲۶/۱؛ خویی، ۱۴۲۲، ۶۷/۲؛ خمینی، ۱۳۸۳، ۴۴۹/۱).

۲. اگر زوج، چهار همسر در نکاح دائم داشته باشد، نمی‌تواند به استناد قاعده لایحرج، زن دیگری را در نکاح دائم خود قرار دهد؛ زیرا نهی مسلم در خصوص محدودیت زوجات آمده است و حرج در چنین شرایطی ترسیم نمی‌شود (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۴۱/۷-۴۵؛ یزدی طباطبایی، ۱۴۰۹، ۷۲۶/۱؛ خویی، ۱۴۲۲، ۶۷/۲؛ خمینی، ۱۳۸۳، ۴۴۹/۱).

در قبال سؤال دوم اختلاف نظرات بیشتر است. بدین صورت که:

۱. برخی از فقها، استناد به قاعده لایحرج را تصریح کرده‌اند، ولی تعدد زوجات را به دلیل مشروعیت حکم آن، مشمول حرج نمی‌دانند و پاسخشان به سؤال، منفی است (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۴۷/۷؛ خویی، ۱۴۲۲، ۶۹/۲).

۲. برخی از فقها، استناد به قاعده لایحرج را در حالت تعدد زوجات صحیح می‌دانند و به استناد شرایط عرفی، این موضوع را مصداقی از عسر و حرج می‌دانند و پاسخشان به سؤال، مثبت است (یزدی طباطبایی، ۱۴۰۹، ۷۲۹/۱؛ خمینی، ۱۳۸۳، ۴۵۰/۱).

۳. برخی از فقها (اقلیت)، طلاق دادن زوجه توسط قاضی را مخالف با حکم اولیه «الطلاق بید من اخذ بالساق» می‌دانند (حلی، ۱۴۱۳، ۱۱۴/۷) و برخی دیگر (اکثریت) طلاق دادن ناشی از عسر و حرج توسط قاضی را صحیح می‌دانند؛ اگرچه در مصداق عسر و حرج با یکدیگر اختلاف نظر نیز دارند (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۴۷/۷؛ یزدی طباطبایی، ۱۴۰۹، ۷۲۹/۱؛ خویی، ۱۴۲۲، ۶۹/۲؛ خمینی، ۱۳۸۳، ۴۵۰/۱).

در آثار اندیشمندان فقه عامه، در پاسخ به سؤال اول آمده است که تعدد زوجات، محدود و مشروط است و زوج در هر حالتی نمی‌تواند شرایط عسر و حرج خود را بر تعدد زوجات سرایت دهد (ابن قدامه، ۱۴۱۸، ۳۱۲/۲؛ عمرانی، ۱۴۲۱، ۱۲۳/۹). حتی این موضوع غیرقابل توسعه به نکاح موقت دانسته شده است؛ زیرا از منظر فقه عامه، آیه ۲۴ سوره نساء، تأکیدی بر موضوع مهریه است و دلالتی بر نکاح موقت محسوب نمی‌شود. در قبال این دلیل، اندیشمندان فقه امامیه پاسخ داده‌اند که پیش از این آیه، در آیه ۳ و ۴ سوره نساء^۱ به موضوع مهریه تأکید شده است و از نظر علم اصول، این برای شارع مناسب نیست که ابتدا تأکیدی مسلم و قوی با صیغه امر، تجویز کند؛ ولی سپس تأکیدی با ابهام استفاده کند؛ همچنین این موضوع اگر به عنوان مهریه از آن یاد شود، نوعی تکرار بی‌دلیل و ناپسند رخ داده است (طباطبایی، ۱۳۸۱، ۲۷۳/۴).

همچنین در خصوص عدم امکان نکاح موقت حتی در حالت عسر و حرج، برخی از فقهای عامه این ایراد را به مبنای قرآنی نکاح موقت یعنی آیه ۲۴ سوره نساء مطرح می‌کنند که آیه مذکور،

۱. «... فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ...» «از دیگر زنانی که مورد پسند شماست دو یا سه، یا چهار زن به همسری انتخاب کنید...» (۳) «وَأَتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ نِحْلَةً...» «مهریه زنان را به عنوان هدیه به خودشان پردازید!...» (۴)

بانظم و شالوده آیات قبلی سازگاری ندارد. بدین معنی که با انجام نکاح موقت، احصان و پاک‌دامنی برای زن وجود ندارد؛ زیرا ممکن است ساعتی در کنار یک مرد باشد و ساعتی دیگر، نزد مرد دیگر باشد. آیات قبل نیز مربوط به پاک‌دامنی زنان آمده است و این موضوع با آیات قبلی سازگاری ندارد (رضا، ۱۴۲۳، ۵/۱۴).

در قبال این دلیل، اندیشمندان فقه امامیه پاسخ داده‌اند که موضوع عده، در عقد موقت نیز وجود دارد که مانع از عدم احصان است. همچنین اینکه موضوع شهوت‌رانی در نکاح موقت، در نکاح دائم نیز وجود دارد و نظم و شالوده آیات با یکدیگر سازگار دارد (طبرسی، ۱۳۳۸، ۳/۳۱۹). برخی دیگر از فقهای عامه اظهار داشته‌اند که نزول آیه ۳۳ سوره نور^۱ که پس از این آیه نازل شده است، حکایت از این موضوع دارد که اگر امکان نکاح وجود ندارد، راهکار پاک‌دامنی توصیه شده است و به نکاح موقت اشاره نشده است (ابن قدامه، ۱۴۱۸، ۲/۳۰۹).

در قبال این دلیل، اندیشمندان فقه امامیه پاسخ داده‌اند که اولاً منظور از نکاح در این آیه، مطلق نکاح است؛ یعنی هم شامل دائم و هم موقت می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۱، ۴/۲۷۳). در آیه ۲۲ سوره نساء نیز، از لفظ نکاح استفاده شده است معنی آیه ۲۲ سوره نساء، حرمت عمل نکاح با زن پدر است ولی لفظ نکاح به‌کاربرده شده است. بدین ترتیب، برای نکاح، چه به‌صورت حلال و چه به‌صورت حرام، لفظ «نکاح» استفاده شده است. بدین ترتیب، اطلاق از این عبارت در آیه ۳۳ سوره نور نیز قابل استنباط است؛ ثانیاً آنچه در آیه ۳۳ سوره نور آمده است، حکم ارشادی است و نه مولوی (محمود، ۱۴۱۸، ۳/۲۰۶).

نهایت آنکه فقهای عامه در عدم امکان استفاده از قاعده لا حرج در فرض سؤال مذکور و نیز عدم امکان استفاده از نکاح موقت در این خصوص، قائل به نسخ آیه ۲۴ سوره نساء شده‌اند و این دلیل را ارائه کرده‌اند که پیامبر اکرم (ص)، اگرچه این موضوع حلال و مباح بوده است، تحریم نموده‌اند (سیوطی، ۱۴۱۹، ۴/۲۰۸-۲۰۹).

در قبال این دلیل، اندیشمندان فقه امامیه پاسخ داده‌اند که اولاً، در زمان پیامبر اکرم (ص)، این موضوع گسترش یافته است و تا پایان حیات ایشان، دلیلی بر نسخ یا تحریم این موضوع وجود ندارد (امینی، ۱۴۳۰، ۶/۲۲۹-۲۳۶)؛ ثانیاً، آیه دیگر در نسخ این آیه نازل نشده است و سنت یا خبر واحد، نمی‌تواند آیه قرآن را نسخ کند چه برسد به این موضوع که سنت نیز آن را نسخ نکرده است. در مقابل، اندیشمندان فقه اهل سنت پاسخ داده‌اند که این آیه در مدینه در شرایطی نازل شده است که این موضوع در آن شهر و عرف، جاری بوده است و اسلام نیز آن را امضا کرده است؛ ولی

۱. «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» «سانی که [زمینه] ازدواجی نمی‌یابند لازم است پاکدامنی پیشه کنند تا [زمانی که] خداوند از احسان خود آنان را توانگر سازد...»

پس از فتح مکه و بازگشت مسلمانان به شهر خود، این موضوع توسط پیامبر اکرم (ص)، تحریم شده است (بخاری، ۱۴۰۱، ۳۴/۶).

اندیشمندان فقه امامیه نیز این موضوع را براساس کلامی از «عمران بن حصین» که در کتاب «مسند» «احمد بن حنبل» آمده است پاسخ می‌دهند. مطابق این سخن، «متععه در قرآن آمده است و ما هم بدان عمل کردیم. در زمان پیامبر اکرم (ص) چنین بود و قرآن آن را نسخ نکرد و پیامبر اکرم (ص) تا روز مرگ از آن نهی نفرمود» (حنبل، ۱۴۱۶، ۴۳۶/۴؛ فخر زاری، ۱۴۲۰، ۴۹/۱۰)؛ لذا می‌توان در زمان عسر و حرج، به نکاح موقت نیز توجه داشت ولی در هر حال، میان فقهای امامیه و عامه در عدم امکان نقض و تجاوز در موضوع تعدد زوجات به بیش از ۴ زن، حتی در حالت عسر و حرج، اتفاق نظر وجود دارد.

اکثریت فقهای عامه در خصوص این‌که زوجه می‌تواند از باب قاعده لایحرج، نسبت به تعدد زوجات زوج، اقدام به طلاق نماید، قائل به این نظر هستند که این موضوع مشمول عسر و حرج نمی‌شود؛ زیرا حکم مسلم و جواز بر تعدد زوجات در اسلام وجود دارد و حاکمیت قاعده لایحرج در این خصوص، به مانند آن است که شارع، بدون توجه به این موضوع، حکم جواز را صادر کرده که دور از شأن شارع است. همچنین تعدد زوجات زوج، با نهی رو به رو نیست و طلاق از این نظر، حتی اگر شرط نیز شده باشد که زوج، حق تعدد زوجات ندارد، صادق نیست و شرط باطل است (ابن قدامه، ۱۴۱۸، ۳۱۳/۲؛ سیوطی، ۱۴۱۹، ۲۰۸/۴-۲۱۴؛ حنبل، ۱۴۱۶، ۴۴۰/۴؛ فخر زاری، ۱۴۲۰، ۴۹/۱۰؛ رضا، ۱۴۲۳، ۱۵/۵)؛ لذا در فرض سؤال دوم، میان فقه عامه و امامیه اختلاف نظر وجود دارد.

در این خصوص، رویکرد حقوق ایران که متأثر از اندیشه فقهای امامیه می‌باشد، حائز اهمیت است. مطابق دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۱۰۱۲۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۸ صادره از شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور، این مسأله تبیین شده است که «در صورتی که زوج اظهار نماید در صورت بازگشت زوجه به منزل مشترک حاضر به ادامه زندگی با وی نیست؛ تجویز ازدواج مجدد زوج بیش از پیش زوجه را در عسر و حرج قرار می‌دهد و با انصاف و عدالت قضایی سازگار نیست».

همچنین در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۸۲۴۲۲۱۰۶۴۵ مورخ ۱۳۹۴/۷/۲۹ صادره از ۸ دیوان عالی کشور آمده است «هرچند که ازدواج مجدد زوج در صورتی که با اجازه دادگاه باشد، شرط ضمن عقد نکاح مبنی بر وکالت زوجه در طلاق را محقق نمی‌کند؛ اما این امر مانع از آن نیست که دادگاه عسر و حرج و زوجه را از شرایط مذکور احراز کند». همان‌گونه که مشاهده می‌شود این احکام، مبتنی بر دیدگاه فقه امامیه است و مربوط به سؤال دوم این تحقیق است. بر همین اساس، مصادیق عسر و حرج محدود و معین نیست. جهت اصلی وضع این قاعده رفع مشقت است و هر چیزی

که زندگی را عادتاً برای زوجه شاق و غیرقابل تحمل کند، از مصادیق آن محسوب می‌شود؛ بنابراین دادگاه‌ها باید آن را به مثابه یک قاعده عام و فراگیر تلقی کرده و در جهت حل مشکلات زنان و جلوگیری از ضرر بیشتر در خانواده‌ها از آن استفاده کنند. حتی این موضوع به این مطلب توسعه داده شده که مفارقت جسمانی و طرح دعاوی متعدد زوجین علیه یکدیگر در گذشته و بذل کلیه حقوق مالی توسط زوجه دلالت بر عسر و حرج زوجه دارد؛ بنابراین دعوی طلاق به استناد عسر و حرج پذیرفته می‌شود (سلحشور و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۱۷-۱۱۹).

در خصوص مسأله تعدد زوجات، حقوق کیفری ایران، تا پیش از انقلاب اسلامی، حمایتی از زنان صورت داده بود که این حمایت، ارتباطی با قاعده لا حرج و سایر قواعد فقهی دیگر نداشت. ماده ۱۷ قانون حمایت از خانواده ۱۳۵۳، مردی را که بدون تحصیل اجازه از دادگاه، اقدام به تجدید فراش نماید، با کیفر حبس رو به رو کرده بود. شورای نگهبان طی نظریه شماره ۱۴۸۸ مورخ ۱۳۶۳ کیفر مقرر در این ماده را مغایر شرع اعلام کرده است؛ زیرا در هیچ منبع فقهی، این شرط (ازدواج مجدد با شرط تحصیل اجازه از دادگاه) پیش‌بینی نشده است و ازدواج مجدد جرم نیست. با مغایر دانستن این ماده قانونی، این حمایت کیفری حدود ۱۰ سال قابلیت اجرا داشته و پس از آن نسخ شده است.

اگرچه برخی از محققان، نظر شورای نگهبان را کافی برای نسخ قانون نمی‌دانند و تصویب قانون دیگر را نسخ قانون قدیم می‌دانند، ولی مشاهده می‌شود که با تأسیس نهاد شورای نگهبان و وظیفه خاص این شورای پس از انقلاب اسلامی، این ابهام نیز رفع می‌شود. در شرایط کنونی، تعدد زوجات عمل مجرمانه نیست، ولی موضوعات مجرمانه دیگری که عبارت است از جرائم امتناع از ثبت زوجیت، طلاق، فسخ، انفساخ و بطلان نکاح یا طلاق، جرم عدم رعایت شرایط در ازدواج با دختر قبل از بلوغ، جرم عدم رعایت شرایط در ازدواج زن ایرانی با فرد خارجی، جرم انکار زوجیت بی‌اساس، جرم ترک انفاق، ازدواج مجدد مرد بدون تحصیل اجازه از دادگاه، جرم مبادرت به طلاق بدون اخذ گواهی عدم امکان سازش، جرم ادعای زوجیت برخلاف واقع، جرم صدور گواهی خلاف واقع یا امتناع از صدور گواهی توسط پزشک و جرم ثبت ازدواج یا طلاق یا انحلال یا بطلان نکاح توسط سردفتر مطابق قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱ جرم‌انگاری شده است که ناظر به موضوعاتی غیر از تعدد زوجات است.

۱. ماده ۱۷ قانون حمایت از خانواده ۱۳۵۳: «هرگاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه از دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد همین مجازات مقرر است برای عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشند. در صورت گذشت همسر اولی تعقیب کیفری یا اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد.»

نتیجه‌گیری

عسر و حرج، موضوعی شخصی، نسبی و عرفی است و نمی‌توان مصادیق حصری برای آن بیان کرد. قاعده لاجرح، هر حکمی که دلالت بر مشقت و سختی باشد را مبتنی بر ادله قران، سنت و عقل، نفی کرده و معتقد است که تکلیف از مکلف برداشته می‌شود یا تکلیف ثانویه دیگری جایگزین می‌شود. در مفاد حکمی قاعده لاجرح با قاعده لاضرر تعارضی وجود ندارد ولی اگر در مصادیق، تعارضی مطرح شود، یعنی زوج به قاعده لاضرر و زوجه به قاعده لاجرح متمسک شوند که تعارض میان اجرای دو قاعده به وجود آید، هر دو قاعده ساقط می‌شوند. میان دو قاعده لاجرح و لاضرر مشترکاتی وجود دارد ولی قلمرو این دو قاعده تفاوت دارد. همچنین عسر و حرج دو مفهومی است که در قاعده لاجرح مطرح می‌شود و رابطه این دو در نهایت، تساوی است اگرچه رابطه عموم خصوص مطلق نیز جایگاه و طرفدارانی دارد. از طرف دیگر، موضوع تعدد زوجات، از منظر فقه امامیه و عامه، حکمی جایز و قدرمتیقن، مشروط و محدود است. در خصوص انواع نکاح، میان فقه امامیه و عامه اختلاف نظر است و فقهای عامه، تعدد زوجات در نکاح موقت را به دلیل حرمت آن، بررسی نکرده‌اند و هیچ فقیه اهل سنتی، حکم جواز نکاح موقت را با قاعده لاجرح، جایگزین حکم حرمت آن نکرده‌اند.

در این تحقیق دو مسأله موردبررسی قرار گرفت که نتیجه نهایی بدین شرح است:

۱. آیا زوج می‌تواند از باب قاعده لاجرح، اقدام به انجام تعدد زوجات در قالب نکاح دائم نماید یا خیر؟ از منظر فقهای امامیه و عامه، تعدد زوجات برای زوج، تمسک به قاعده لاجرح ضرورتی ندارد. از منظر فقهای امامیه، نکاح موقت نیز می‌تواند در هر حالتی وجود داشته باشد ولی فقهای عامه، اساساً نکاح موقت را حرام دانسته و قاعده لاجرح، نمی‌تواند حکم به جواز نکاح موقت دهد. فقهای امامیه و عامه در این موضوع اتفاق نظر دارند که قاعده لاجرح در قبال زوج، نمی‌تواند تعدد زوجات را برای بیش از ۴ زن توجیه کند.

۲. آیا زوجه می‌تواند از باب قاعده لاجرح، نسبت به تعدد زوجات زوج، اقدام به طلاق نماید یا خیر؟ فقهای امامیه و حقوق ایران، تعدد زوجات زوج را مصداقی از عسر و حرج دانسته ولی این موضوع به عرف و شرایط شخصی بازمی‌گردد و ممکن است تعدد زوجات در قبیله یا منطقه‌ای که جایز است، به‌عنوان عسر و حرج شناخته نشود؛ لذا پاسخ مطلق فقهای امامیه، جواز تمسک به قاعده لاجرح در فرض تعدد زوجات زوج و امکان طلاق زوجه است. فقهای عامه، تعدد زوجات زوج را مصداق عسر و حرج ندانسته و نظر مخالف دیدگاه فقهای امامیه دارند.

کتاب‌شناسی

۱. ابن قدامه، عبدالله بن محمد، (۱۴۱۸)، *المغنی فی شرح الفرق فی الفقه*، بیروت، دارالکتب العربی، مطبعه الاولی.
۲. ابن نجیم، سراج الدین، (۱۴۲۲)، *النهر الفائق شرح کنز الدقائق*، بیروت، دارالکتب العلمیه، مطبعه الاولی.
۳. اخوان کاظمی، هانیه سادات، (۱۴۰۰)، *بررسی فقهی حقوقی طلاق زنان به دلیل عسر و حرج*، تهران، سنجش و دانش، چاپ اول.
۴. ارجمند دانش، جعفر، (۱۳۸۴)، *بررسی قاعده عسر و حرج و کاربرد آن در طلاق و بررسی مصادیق جدید ماده ۱۱۳۰ق.م*، تهران، بهنامی، چاپ اول.
۵. امامی، مسعود، (۱۳۹۲)، «*فلسفه حکم تعدد زوجات*»، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، شماره ۱۶، ۵۹-۸۰.
۶. امینی، عبدالحسین، (۱۴۳۰)، *الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب*، قم، موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، مطبعه الاولی.
۷. اندلسی، علی بن احمد بن حزم، (۱۴۰۴)، *الاحکام فی اصول الاحکام*، قاهره، دارالحديث، مطبعه الاولی.
۸. بجنوردی، حسن، (۱۴۱۹)، *القواعد الفقهیه*، قم، الهادی، مطبعه الاولی.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱)، *صحیح بخاری*، بیروت، دارالفکر، مطبعه الاولی.
۱۰. ثعالبی، عبدالرحمان بن محمد بن مخلوف، (۱۴۱۸)، *التفسیر الثعالبی*، بیروت، دارالفکر، مطبعه الاولی.
۱۱. حاجبعلی، فریبا، (۱۳۸۸)، «*مبانی فقهی و حقوقی نظام تعدد زوجات در خانواده*»، فقه و حقوق خانواده، شماره ۵۰، ۱۰۸-۱۳۰.
۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴)، *وسایل الشیعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، مطبعه الاولی.
۱۳. حلی، محمد بن ادریس، (۱۴۰۸)، *السرائر*، بیروت، موسسه نشر الاسلامی، مطبعه الاولی.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳)، *مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، مطبعه الاولی.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰)، *تحریر الاحکام*، قم، موسسه امام صادق، مطبعه الاولی.
۱۶. حنبلی، محمد بن احمد، (۱۴۱۶)، *مسند احمد بن حنبل*، بیروت، دارالصادر، مطبعه الاولی.
۱۷. خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۳)، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، مطبعه الاولی.
۱۸. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۲۲)، *توضیح المسائل*، جلد ۲، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۱۸. دهقانی، مهناز، صادق پور، محمدجعفر، (۱۴۰۰)، «*جستاری انتقادی در حکم تعدد زوجات*»، فقه، شماره ۳، ۱۵۱-۱۷۷.
۱۹. رضا، محمد رشید، (۱۴۲۳)، *تفسیر القرآن العظیم (تفسیر المنار)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، مطبعه الاولی.
۲۰. سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۸۵)، «*ازدواج موقت در کتاب و سنت*»، فقه و اصول، شماره ۴۸، ۵۷-۱۳۷.
۲۱. سرخسی، محمد بن ابی سهل، (۱۴۲۰)، *المبسوط*، بیروت، دارالفکر، مطبعه الاولی.
۲۲. سلار، حمزه بن عبدالعزیز، (۱۴۰۴)، *المراسم العلویه و الأحکام النبویه فی الفقه الإمامی*، قم، منشورات الحرمین، مطبعه الاولی.
۲۳. سلحشور، بتول، سلطانی، عباسعلی، (۱۳۹۶)، «*مبانی فقهی جرم انگاری تخلّف از شروط تعدد زوجات*»، جستارهای فقهی و اصولی، شماره ۶، ۹۹-۱۲۴.

۲۴. سلطانی، عباسعلی، (۱۴۰۱)، «نگره‌ی قاعده نگاری انصاف با رویکرد به ادبیات فقه امامیه»، آموزه‌های فقه و حقوق جزاء، شماره ۱، ۷۷-۹۰.

۲۵. سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۱۱)، *الأشباه و النظائر*، بیروت، دار الکتب العلمیه، مطبوعه الاولی.

۲۶. سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۱۹)، *الدر المنتور فی التفسیر بالمأثور*، قم، مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی، مطبوعه الاولی.

۲۷. شاه حسینی، فهیمه، (۱۳۹۸)، «معیار های عسر و حرج در نکاح دائم و منقطع در فقه امامیه و حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه علامه محدث نوری، نور.

۲۸. شفیعی، کریم، (۱۳۹۸)، «جایگاه فقهی و حقوقی اذن همسر اول در ازدواج مجدد مرد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، بندرعباس.

۲۹. شکوهی، احمد، ابراهیمی، علیرضا، (۱۳۹۹)، «حکم اولیه تعدد زوجات از منظر فقه امامیه»، مطالعات تطبیقی فقه و اصول، شماره ۱، ۱۴۴-۱۶۰.

۳۰. شهیداول، محمدبن‌مکی‌عاملی، (۱۴۰۰)، *القواعد و الفوائد*، قم، کتابفروشی مفید، چاپ اول.

۳۱. شهیدثانی، زین‌الدین‌عاملی، (۱۴۱۳)، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، مطبوعه الاولی.

۳۲. شیخ مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۴)، *خلاصه الايجاز فی المتعه*، بیروت، دارالمفید، مطبوعه الاولی.

۳۳. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۸۱)، *تفسیر المیزان*، تهران، اسلامی، چاپ اول.

۳۴. طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، (۱۳۳۸)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، مکتبه العلمیه، مطبوعه الاولی.

۳۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید، (۱۴۲۰)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه، مطبوعه الاولی.

۳۶. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۸)، *الخلاف*، قم، جامعه مدرسین، مطبوعه الاولی.

۳۷. طوسی، محمدبن حسن، (۱۳۸۷)، *المبسوط فی الفقه الامامیه*، قم، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، مطبوعه الاولی.

۳۸. عبدالهی فشکل پشته، افسانه، (۱۳۹۹)، *قاعده عسر و حرج در احکام خانواده*، تهران، سرای فرهنگ و ادب، چاپ اول.

۳۹. عبدی پور، ابراهیم، (۱۳۸۸)، «تعدد زوجات»، حقوق اسلامی، شماره ۲۰، ۷-۳۰.

۴۰. عمرانی، أبو‌حسین، (۱۴۲۱)، *البیان فی مذهب الامام الشافعی*، جده، دار المنهاج، مطبوعه الاولی.

۴۱. فخرزاری، ابو عبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، *التفسیر الکبیر (مفایح الغیب)*، قاهره، مطبوعه البیعه المصریه، مطبوعه الاولی.

۴۲. کاشانی، علاء‌الدین، (۱۴۰۶)، *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرايع*، بیروت، دار الکتب العلمیه، مطبوعه الاولی.

۴۳. کرکی، علی‌بن‌حسین‌عاملی، (۱۴۱۴)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم‌السلام، مطبوعه الاولی.

۴۴. محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۸۷)، *قواعد فقه بخش مدنی ۲*، تهران، سمت، چاپ اول.

۴۵. محقق دایکندی، محمداکبر، (۱۳۸۶)، «ازدواج موقت در قرآن کریم»، فلسفه و کلام، شماره ۱، ۱۵۷-۲۰۲.

۴۶. محمود، منیع عبد الحلیم، (۱۴۱۸)، **منهاج المفسرین**، قاهره، دارالکتب، مطبعه الاولی.
۴۷. مفید، محمدبن محمد، (۱۴۱۳)، **المقنعه**، قم، مؤسسه نشر اسلامی، مطبعه الاولی.
۴۸. نجفی، محمدحسن، (۱۴۱۴)، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، مطبعه الاولی.
۴۹. نراقی، احمد، (۱۳۷۵)، **عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۵۰. هاشمی، حسین، (۱۳۸۶)، «**نقدی بر ازدواج موقت در فقه عامه**»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۵، ۱۰۰-۱۲۸.
۵۱. یزدی طباطبایی، محمدکاظم، (۱۴۰۹)، **العروه الوثقی فیما تعم به البلوی**، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، مطبعه الاولی.